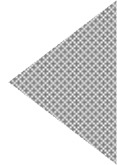


بررسی و تأثیرات تحولات منطقه‌ای بر امنیت مرزهای ایران و ترکیه



مهدی نجفی^۱

جلیل نایب‌یان^۲

پرویز احدی^۳

محمد یوسفی جویباری^۴

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۶/۱۷ - تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۰)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

در بیست و پنج سال گذشته ثبات در محیط امنیتی آسیای مرکزی، همواره با پیچیدگی‌ها و چالش‌های فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است. گرایش‌های ملی‌گرایانه با شدت و ضعف در جمهوری‌های آسیای مرکزی تجربه شده‌اند. ایران و ترکیه هم به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در هم‌جواری یکدیگر و در حوزه حساس‌ترین مناطق جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز واقع شده‌اند. این دو کشور دارای نظام معنایی و علایق خاص خود هستند و سلسله منافع

۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
jnayebian@gmail.com

۳ استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۴ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز،

مشترک و برخی تضادها نیز دارند. از طرف دیگر، اهمیت مرز در روابط دیپلماتیک، حریم‌های شناخته شده بر اساس میثاق‌های بین‌المللی و حقوق جهانی می‌باشد که عاملی برای ثبات و آرامش میان کشورها یا اختلافات و منازعات و ادعاهای ارضی کشورها علیه یکدیگر به حساب می‌آیند. بخش مهمی از سیاست‌های خارجی و داخلی کشورها در تبعیت از چگونگی از مرزهای مشترک آنان با یکدیگر و برخورداری از موقعیت ژئوپولیتیکی متأثر از مرزها شکل گرفته و تعریف می‌شوند. مرزها می‌توانند در مقابل برنامه‌ها و تهدیدهایی که اقتصادشان را به مخاطره می‌اندازد مانع ایجاد کنند بنابراین یکی از پرتنش‌ترین مرزهای کشور ایران، نوار مرزی شمال غرب است که از دیرباز مورد توجه مسئولان امنیتی و انتظامی کشور ایران بوده و موضوع امنیت در این منطقه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. هدف اصلی این پژوهش عبارت از بررسی و تأثیرات تحولات منطقه‌ای بر امنیت مرزهای ایران و ترکیه می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات و اسناد کلان انجام شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات علمی - پژوهشی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و استفاده از جداول و نمودارها است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شناخت تأثیر بازارچه‌های مرزی، نقش رسانه‌ها، عضویت ترکیه در ناتو و حضور گروه‌های تروریستی در نوار مرزی از جمله تحولات منطقه‌ای است که در امنیت مرزهای ایران و ترکیه تأثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: تحولات منطقه‌ای، امنیت ملی، مرزهای ایران و ترکیه.

مقدمه

مرزها در استقلال و تمامیت ارضی، به وجود آورنده یک وحدت سیاسی در یک قلمرو جغرافیایی می‌باشند. وحدتی که لزوماً با وحدت طبیعی یا انسانی همراه نیست. امنیت و استقلال هر کشوری مترادف سرزمینی است که به نام آن کشور ثبت و ضبط شده و اسناد بین‌المللی و وفاق‌های جهانی و حقوق فراملی در سطح جهان بر این مرزها مهر تأیید شده و اسناد مالکیت آن را به نام خودش امضا کرده‌اند. حاکمیت ملی نماد یک کشور در مرزها بوده که حساسیت یک ملت به حفاظت از مرزها و نگهداری سرزمین بر اساس مرزهای تعریف شده، شاخصی از

حاکمیت ملی است. اقتدار یا ضعف یک ملت یا دولت در تثبیت مرزها و قدرت نظامی معرف شدت و ضعف حاکمیت ملی است و از سوی دیگر قلمرو این حاکمیت با مرزها تبیین می‌شوند و از دیر باز مرزها از عوامل تأثیرگذار بر توان اقتصادی و مبادلات بازرگانی کشورها بوده‌اند. عبور کاروان تجاری از مرزها، کیفیت و کمیت مبادله کالا و فرهنگ‌سازی و تأثیرگذاری متقابل فرهنگ‌ها بر یکدیگر و میزان و چگونگی نقش آن در دنیای کنونی تعیین کننده ارتباطات و تعاملات فرهنگی می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت‌های بزرگ و در رأس آن آمریکا برای حفظ منافع راهبردی خود دست به اقداماتی برای مهار جمهوری اسلامی ایران دست زده است (مهدی‌زاده و نجفی، ۱۳۹۶).

امنیت مرز یک موضوع تک بعدی نیست بلکه یک مقوله مرکب است. پاسداری از مرز یعنی پاسداری از فرهنگ، پاسداری از هویت، پاسداری از ملیت و استقلال و استقلال و غیرت است که ایجاد حسن همگرایی ملی و اسلامی در مناطق مرزی، ارتباط با کشورهای همسایه به صورت دیپلماسی که به دنبال خود ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با خود خواهد داشت که مرزهای جغرافیایی و مسائل مختلف مربوط به آن، در سیاست‌های داخلی و خارجی هر کشور اثر داشته و دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. مرز مهم‌ترین عامل در روابط سیاسی دو کشور محسوب می‌شود. اگر امنیت کشوری از طرف مرزهای مشخصی مختل و ناآرام می‌گردد. مسلماً روابط بین آن کشورها تیره و در صورت افزایش همکاری، بحران به وجود آمده قطع خواهد شد. به طوری که اگر دو کشور ایران و ترکیه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هرگونه همکاری را در تأمین امنیت مرز مشترک به عمل خواهند آورد و به نفع هر دو کشور خواهد بود. مرزها تأثیرات مستقیم و گسترده‌ای برای استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، کنترل و حاکمیت هر دولت را به قلمرو و مردم خود نشان می‌دهند. مرزها دارای نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی هستند و اگر چه از نظر تاریخی بهترین کارکرد مرز، جدا کردن دو ناحیه سیاسی و دو گروه از مردم بوده و هست. اما با گذشت زمان و پیشرفت‌های به وجود آمده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فناوری و ارتباطات امروزه کارکردهای جدیدی برای مرزها تعریف شده است (نائیان و همکاران، ۱۳۹۹).

مبانی نظری پژوهش

نظریه همگرایی منطقه‌ای: در تبیین علل و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها، نظریات مختلفی ارائه شده‌است. یکی از نظریاتی که به این موضوع می‌پردازد، نظریه همگرایی منطقه‌ای است که اساساً از تجربیات جوامع اروپایی نشئت گرفته است. در پی موفقیت کشورهای اروپایی و توسعه روابط فنی و اقتصادی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه بهره‌گیری از آن را به‌عنوان یک استراتژی برای رشد مورد توجه قرار دادند. به‌عبارتی کشورها دریافتند که دستیابی به سطوح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی صرفاً یک مقوله ملی نیست و به‌ناچار باید زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع بین‌المللی را فراهم کنند. چگونگی تمهیدات این سازوکار جهت استفاده از ظرفیت‌ها و منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین مقولاتی است که پیش روی تمامی کشورها است. بر این اساس به نظر می‌رسد همگرایی از مهم‌ترین این ساز و کارها و تمهیدات بین کشورهای یک منطقه جهت نیل به این هدف در عرصه‌های بین‌المللی است. این فرایند منطقه‌ای که غالباً در زمینه تجارت و اقتصاد بود، بعد از جنگ جهانی دوم ظهور پیدا کرد. اما این امر به‌خصوص در دهه ۱۹۸۰ همراه با موج معروف منطقه‌گرایی جدید شکل خاصی پیدا کرد. بنابراین، همگرایی منطقه‌ای را می‌توان فرایندی چند بعدی پنداشت که علاوه بر همکاری اقتصادی بر ابعاد سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی و غیره نیز دلالت دارد. با این وجود تجارت و همگرایی اقتصادی بعد مرکزی پروژه همگرایی باقی‌ماند (زیباکلام گودرزی، ۱۳۹۲). در این راستا، یکی از مهم‌ترین نظریات همگرایی، نظریه سیستم‌ها و به‌تبع آن خرده سیستم‌ها در بخش منطقه‌ای است که می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمد و مبنایی برای ورود به بحث حاضر باشد. خرده سیستم‌ها به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در نظریه سیستم‌ها از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان اصلی مکتب علمی روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته است. از دیدگاه مایکل بنکس برای رویکرد به خرده سیستم‌های منطقه‌ای از دیدگاه سنتی تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته است. در تعریف خرده سیستم‌های بین‌المللی از دیدگاه لوئیس کانتور و اشیپگل آمده است که: خرده سیستم منطقه‌ای متشکل از یک‌دو یا چند دولت مجاور و در حال تعامل است که دارای برخی پیوندهای مشترک قومی زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی هستند و احساس هویت آنها گاه به‌واسطه اقدامات و موضع‌گیری‌های دولت‌های خارج از سیستم افزایش می‌یابد (کاریمو و

از سوی دیگر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار دارد که ابتدا از سوی لیک و مورگان مطرح شده و در کار مشترک بوزان و ویور بسط و گسترش یافته‌است. از این دیدگاه هر رهیافت منطقه‌گرای منسجم نسبت به امنیت باید کار خود را با تعیین مرز مشخص میان عناصر سازنده سطح منطقه‌ای و عناصر سطوح دیگر آغاز کند. مناطق با هر تعریفی که از آنها ارائه شود باید از لحاظ جغرافیایی تقریباً مشخص و این مجموعه باید در درون یک سیستم بزرگ‌تر قرار داشته‌باشد که ساختار خاص خود را دارد. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای چهارچوبی مفهومی است که دربرگیرنده ساختارهای جدید امنیت بین‌المللی یعنی مناطق است و شامل مدلی از امنیت منطقه‌ای می‌شود که بر اساس آن می‌توان امکان تحلیل تبیین و تاحدی پیش‌بینی تحولات درون هر منطقه را ایجاد کرد (جعفری زاده و حمزه، ۱۴۰۲). بر اساس این نظریه می‌توان دو مجموعه امنیتی مختلف را از یکدیگر تمایز داد: مجموعه امنیتی منطقه‌ای استاندارد و مجموعه امنیتی منطقه‌ای مرکز دار. در تمام مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای استاندارد قدرت‌های منطقه‌ای (مثل ایران و روسیه در آسیای مرکزی) قطب بندی را مشخص می‌کنند که می‌تواند شامل یک یا چند قطب باشد. تک قطبی بودن به این معنا است که منطقه تنها یک قدرت منطقه‌ای دارد و پویش‌های منطقه تحت سلطه قدرت واقع در مرکز نیست. اصلی‌ترین عنصر سیاست امنیتی در این گونه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای روابط قدرت‌های درون منطقه است (روشنی و مصدق، ۱۴۰۰). با توجه به تعاریف فوق از خرده سیستم‌های منطقه‌ای و همچنین با توجه به وجوه متمایز کننده این مفهوم در نظر تامپسون؛ و از سوی دیگر با در نظر گرفتن آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای استاندارد با محور دو یا سه قطبی (ایران، ترکیه و روسیه) قصد ما این است که در یک روش تلفیقی این منطقه را به‌عنوان یک خرده سیستم منطقه‌ای استاندارد با قدرت منطقه‌ای (ایران و ترکیه) معرفی کنیم و بر اساس این دو نظریه به بررسی مقایسه‌ای نقش و سیاست خارجی این دو کشور در آسیای مرکزی پرداخته شود (کارن جی، ۲۰۱۶). با مشخص شدن جایگاه ایران و ترکیه در منطق همگرایی منطقه‌ای بحث میزان تأثیر متغیرها بر میزان همگرایی و یا واگرایی بین دولت‌ها در نظام بین‌الملل و سطح منطقه‌ای به میان می‌آید. در این راستا طرفداران نظریه مبادله بر تأثیرات حاصل از میزان و کیفیت تبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین واحدهای گوناگون بر فرایند شکل‌گیری اتحاد و همگرایی در نظام بین‌الملل تأکید دارند. بر پایه این نظریه افزون بر اینکه ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی هر یک از واحدها می‌تواند

در همسویی یا واگرایی آنها نسبت به هم مؤثر باشد، حجم مبادلات میان کشورها نیز بر درجه همگرایی یا واگرایی بین آنها تأثیرگذار است. عوامل و فاکتورهای ذهنی و از جمله مشابهت‌های ایدئولوژیک و هویتی نیز از دیگر متغیرهایی محسوب می‌شوند که برخی نظریه پردازان جهت تبیین شکل همگرایی به‌ویژه در نظریات همگرایی بخشی مورد توجه قرار دادند. در این راستا باری بوزان و اولی ویور تصریح می‌کنند که عوامل فرامادی نظیر هویت‌های تاریخی در تداوم مناسبات خصمانه و دوستانه به‌ویژه در شکل منطقه‌ای آن نقش عمده‌ای ایفاء می‌کنند (اریف، ۲۰۱۴).

در یک نگرش کلی، کارکرد و نقش‌های مختلف مرزهای بین‌المللی را می‌توان در قالب دو گروه طبقه بندی کرد:

کارکرد دفاعی-امنیتی مرز: اگر به مرزها به‌عنوان پدیده‌ای نگریسته شود که قلمرو اعمال حاکمیت و قدرت حکومت بر مردم و منابع تحت نفوذش را تعیین کرده و در مقابل نفوذ، دخالت و استفاده حکومت و مردم کشور همسایه ممانعت ایجاد می‌کند. از این منظر مهم‌ترین کارکرد مرز ایجاد مانع و عامل بازدارنده است. بدین معنی که مرزها از ورود و خروج هر پدیده‌ای که در اعمال قدرت و حاکمیت آن کشور اختلال ایجاد کند، ممانعت به عمل می‌آورند (رحمتی راد، ۱۳۷۴: ۸).

کارکرد ارتباطی- تجاری: دومین کارکرد مرز، که کاملاً در جهت مقابل کارکرد بازدارندگی قرار دارد، کارکرد ارتباطی مرز است. بدین معنی که برخلاف کارکرد بازدارندگی، که به‌عنوان یک مانع نگریسته می‌شود. در کارکرد ارتباطی، مرز به‌عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کند که تسهیل‌کننده ارتباطات تجاری، فرهنگی، توریستی بین مردم و کشور به‌ویژه مرزنشینان می‌باشد. بر این اساس برخلاف کارکرد بازدارندگی مرز که به‌دنبال تقویت قدرت نفوذناپذیری مرز می‌باشد و نگاه غالب به آن نگاه امنیتی- سیاسی است و از سوی دیگر نقش و کارکرد مرزها در همه مناطق جهان یکسان نیست و با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی نوع کارکرد مرزهای بین‌المللی نیز متغیر است (همان منبع). به‌طور کلی عوامل ژئوپولیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها تأثیر می‌گذارند، که از جمله می‌توان به مواردی چون نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی مرزنشینان، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمان‌های

سیاسی - نظامی کشورهای هم‌مرز با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بازیگران بین‌المللی، دیپلماسی و سیاست خارجی اشاره کرد.

امنیت: امنیت به‌عنوان یک مفهوم اساسی در روابط بین‌الملل و یک ارزش حیات انسانی، از سوی دیگر است. در واقع نخست امنیت به‌منزله یک مفهوم تحلیل و تبیین مفهومی می‌شود. به گونه که مفهوم امنیت معنا کاوی و تعریف شده و مشخصه‌ها و ابعاد مفهومی آن تشریح می‌شود. معروف‌ترین و رایج‌ترین تعریف از مفهوم امنیت را سال‌ها پیش «آرنولد ولفرز» در چهارچوب پارادایم واقع‌گرایی، ارائه داده است که یک تعریف کلاسیک به‌شمار می‌رود. به نظر وی امنیت یعنی «نبود تهدیدها نسبت به ارزش‌های مکتسبه و نبود ترس از آنکه این ارزش‌ها مورد تهدید قرار گیرد». از این رو امنیت ماهیت دوگانه عینی و ذهنی دارد، ترکیبی از یک وضعیت فیزیکی و یک حالت ذهنی و روانی است (دهقانی، ۱۳۹۵).

مرز: مرزها، دو ناحیه، منطقه، خط یا سرزمین هم‌جوار را از هم جدا می‌کنند. در این بین مناطق مرزی و خطوط مرزی نقش جدا کننده واحدهای سیاسی را از یکدیگر بر عهده دارند. مناطق مرزی و خطوط مرزی موضوع‌های فراخوانده‌ای هستند که به آسانی می‌توانند احساسات ملی و وطنی را برانگیزند (پرس کات، ۱۳۵۶: ۶۰). بر این اساس مرزهای بین‌المللی به‌عنوان نقطه تماس میان کشورهای همسایه، در شکل دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی آنها نقش برجسته‌ای بر عهده دارند و به‌تبع آن شهرها و روستاهای مجاور مرزها ممکن است که با توجه به اینکه خط مرز موجب برهم زدن حوزه نفوذ طبیعی آنها شده و یا برعکس نقش‌های جدیدی در خصوص عبور و مرور مرزی به آنها داده شده، رو به زوال است (قوام، ۱۳۹۰).

امنیت ملی: در این سطح از تحلیل امنیت، ملت - دولت هم به‌عنوان یگانه هدف مرجع امنیت و هم تنها منبع و کارگزار امنیت ساز تصور و تلقی می‌شود. به گونه‌ای که فلسفه وجودی واحد سیاسی به نام دولت، تأمین امنیت انسان‌ها و شهروندان است بوده است. چون گروه انسانی که در چهارچوب گروه‌های اجتماعی و واحدهای سیاسی مختلف گرد آمده‌بودند برای صیانت خود در برابر تعدی و تهدیدهای انسان‌های دیگر، ملت - دولت را تشکیل دادند. از این رو هدف اولیه و اصلی و مهم‌ترین کارکرد ملت - دولت تأمین امنیت شهروندان است. ماهیت ملت - دولت به عنوان گروه و سازمان سیاسی تأمین کننده امنیت انسان‌ها، متضمن و مستلزم آن است که بقا خود را به‌صورت یک جامعه مستقل و دارای حاکمیت را تأمین و تضمین کند. چون اگر حاکمیت،

استقلال و آزادی عمل دولت به‌عنوان یک اجتماع مجزا به مخاطره بیفتد به مثابه تهدید بقا و حیات شهروندان است. از این رو یک تعهد و التزام امنیتی متقابل بین ملت-دولت و اتباع آن وجود دارد. دولت برای حیات از خود شهروندانش از حق استفاده مشروع از زور برخوردار است که به‌عنوان آخرین حربه و ابزار به آن متوسل می‌شود. هدف امنیت-دولت بازداشتن و جلوگیری از حملات ویرانگر علیه خود و شهروندانش است. لذا امنیت ملی عبارت است از توانایی دولت در صیانت از خود در برابر خطرات و تهدیدهای خارجی (دهقانی، ۱۳۹۵).

نقش مرزها: نقش مرزها ایجاد مانع در برابر حرکت انسان‌ها، اجناس و تفکرات است. درجه‌ای که هر مرز معین به روی چنین حرکاتی تأثیر می‌گذارد، نفوذپذیری آن مرز قلمداد می‌شود. نفوذپذیری مرزها در جهان متفاوت است و از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. ارزیابی میزان نفوذپذیری به‌طور دقیق میسر نیست و انجام چنین کاری مستلزم داشتن اطلاعات دقیق است. مناطق مرزی به‌دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. داشتن مرزهای کنترل شده و مناطق مرزی بدون تنش و بحران در برقراری امنیت و اعمال حاکمیت دولت در هر کشور، نقش کلیدی و هدایت کننده‌ای داشته و از سوء استفاده و دخالت دشمنان داخلی و خارجی می‌کاهد و برنامه ریزی برای تأمین نابرابری و پیشگیری از عدم تعادل آن، امری اساسی و حیاتی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد (نائیبیان، ۱۳۹۹).

بازیگران بین‌المللی: بازیگران بین‌المللی که به‌نحوی مایلند قدرت فائق‌های نسبت به بازیگران دیگر در عرصه بین‌المللی پیدا کنند که گروهی ابزار نظامی، گروهی ابزار اقتصادی، گروهی ابزار فرهنگی و گروهی موقعیت سیاسی را ابزار رسیدن به این منزلت می‌دانند. «کوئینز رایت» مدعی است تلاش برای پیشوایی در عرصه نظامی هر از چند دهه یک‌بار اتفاق می‌افتد کشوری که به این منزلت نائل آید قدرت فائقه خواهد بود (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۸۶). همچنین «مولسکی» مدعی است که بازیگران طی چند قرن اخیر عرصه بین‌المللی را عرصه رقابت در عرصه سیاسی می‌داند و گروهی دیگر از اندیشمندان قدرت فائقه در نظام را عمدتاً اقتصادی می‌دانند که به وسیله آن برای پیشوایی نظام بین‌المللی مطلوب نمود و عده‌ای از اندیشمندان تلاش برای پیشوایی جهانی راهی است که از طریق فرهنگ امکان‌پذیر می‌شود که این تفسیر از روابط بین‌الملل توسط «رابرت کاکس» مطرح شده‌است (جاویدی، ۱۳۹۱).

پس می‌توان این گونه قلمداد نمود که کشوری که از لحاظ نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی صاحب قدرت باشد، می‌تواند به‌عنوان بازیگر بین‌المللی قد علم کند و به ایفاء نقش بپردازد. و کشورهای همچون آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و روسیه که از لحاظ عناصر قدرت در جامعه بین‌المللی برخوردار بوده، از بازیگران بین‌المللی مطرح می‌باشند که با قدرت نظامی خود به کشورهای ضعیف هم چون ویتنام، افغانستان و عراق حمله‌ور شده و اهداف خود را با حمله نظامی به کرسی می‌نشانند و حتی از لحاظ اقتصادی هم از ابزار تحریم استفاده نموده و کشورهای هم چون ایران و کره شمالی که به خواسته‌های آنها تن نمی‌دهند، با تحریم تحت فشار قرار می‌دهند و با استفاده از کودتای نظامی و مخملی و وارد نمودن فرهنگ غربی خود، افکار و اندیشه‌های خود را در سایر کشورها پیاده می‌نمایند و به‌دنبال هر کودتایی آمریکا و انگلیس در پشت پرده آن به‌نوعی دخیل بوده است و برای رسیدن به اهداف خود از بازیگران منطقه‌ای که دست پرورده خودشان است بهره می‌جویند و کشورهای خاصی را همراه خود می‌سازند که در منطقه خاورمیانه، کشورهای هم چون رژیم صهیونیستی و عربستان از آن جمله‌اند (نوروزها، ۲۰۰۹).

این بازیگران بین‌المللی به‌نحوی امنیت هر کشوری را که با آنها همراه نبوده، مورد تهدید قرار داده و عواملی و پدیده‌های که امنیت یک کشور را با خطر مواجه می‌سازد می‌توان نام برد: ۱- ظهور و توسعه ایدئولوژی که مخالف ایدئولوژی حاکم کشور باشد. ۲) کثرت و انفجار جمعیت همسایه (همسایه دشمن). ۳) پیشرفت اقتصادی و مازاد تولید به کشور همسایه (همسایه دشمن). ۴) اتکا اقتصادی، فنی، نظامی زیاد به کشور حامی. ۵) عدم ثبات اجتماعی. ۶) ضعف و کوچکی از نظر قدرت. ۷) موقعیت مساعد جغرافیایی. ۸) افزایش قدرت نظامی کشور دشمن (لیان، ۲۰۱۶).

بازیگران بین‌المللی برحسب تأثیرگذاری و قدرت نظامی در روابط بین‌دولتی و تعاملات سیاسی و نظامی صرف در سطح بین‌المللی تعریف نمی‌شود. بازیگری بین‌المللی به‌معنای توان هرگونه نقش آفرینی و تأثیرگذاری بر ابعاد و حوضه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی و روابط بین‌الملل به‌طور عام است. بازیگران بین‌المللی و غیردولتی با توجه به ماهیت توانایی‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خود ممکن است در یکی از این حوضه‌های موضوعی نقش آفرینی تأثیر گذار باشد. بازیگران غیردولتی یا فراملی به‌گونه‌ها و انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. هر یک از این بازیگران در سطوح ملی یا فراملی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم

به فعالیت و نقش آفرینی روابط بین‌الملل می‌پردازد. به‌طور کل غیردولتی را می‌توان در سه دسته سازمان‌های بین‌المللی دولتی، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و شرکت‌های چند ملیتی تقسیم و تبیین کرد. هر یک از این بازیگران در سطوح و حوضه‌های مختلف فعالیت و تأثیر دارند (سیف‌ورلد، ۲۰۱۳).

تحولات منطقه‌ای مؤثر بر امنیت مرزهای ایران و ترکیه

بازارچه‌های مرزی

نتایج مطالعات میدانی در بسیاری از نواحی مرزنشین نشان داده است که مبادلات مرزی محرک خوبی برای توسعه مبادلات کالایی و مزیت‌های رقابتی مناطق مرزنشین بوده و ضمن کمک به رفع معضل بیکاری و تقویت سطح درآمدها، بازوی محرکی برای رشد بازار تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. در حقیقت بازارچه‌های مرزی ضمن کمک به تأمین نیازمندی‌های ساکنان مناطق دو سوی مرز در ایجاد صلح و امنیت و حسن روابط هم‌جواری تأثیر بسیاری دارد و از این رو از اقدامات مثبت دولت تلقی می‌شود. به‌عبارتی دیگر با توجه به اهمیتی که بازارهای مرزی از نظر حفظ صلح و امنیت و جلوگیری از تغییر بافت جمعیتی در مناطق مرزی دارند، معمولاً تمایل دولت‌ها به تشکیل این بازارچه‌ها به‌منظور گسترش مناسبات فرهنگی زیاد است. مسلماً ورود افرادی با فرهنگ و الگوی متفاوت و برقراری تعامل با نواحی مذکور می‌تواند در تحول فرهنگ سنتی حاکم بر منطقه و خروج اقوام مرزنشین از این بن‌بست بسیار مفید واقع شود. از سوی دیگر ایجاد و فعالیت چنین بازارچه‌هایی زمینه نسبتاً مناسبی را برای جذب بازرگانان و پيله‌وران داخلی و خارجی به این منطقه فراهم آورد و در دراز مدت با توجه به میزان بازگشت سود و عایدی که نصیب این صنف می‌گردد زمینه بسیار مساعدی برای سرمایه‌گذاری بیشتر در منطقه هموارتر می‌گردد. ایجاد چنین ارزش افزوده‌ای در منطقه که به شکل قانونی و از مجاری رسمی، اقتصاد منطقه را تغذیه می‌نماید، فرصت مناسبی برای ارتقای عمومی سطح زندگی و رفاه دست‌اندرکاران شاغل در این فعالیت را به وجود می‌آورد و منابع لازم برای گسترش فعالیت‌های بازرگانی در چارچوب اهداف و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. ورود و خروج اتباع خارجی و اقامت آنان در این مناطق مرزی باعث می‌گردد دولت به ایجاد بستری مناسب در این محدوده مرزی مبادرت ورزد (شریف‌نژاد، ۱۳۸۶).

مرز، مهم‌ترین عامل در روابط سیاسی دو کشور محسوب می‌شود. اگر امنیت کشوری از طرف

مرزهای مشخص مختل و ناآرام گردد، مسلماً روابط بین آن کشورها تیره و در صورت افزایش بحران قطع می‌گردد. عکس این قضیه نیز صادق است؛ به طوری که اگر دو کشور همسایه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هرگونه همکاری را در تأمین امنیت مرز مشترک به عمل خواهند آورد. در مقابل چنان چه اختلافات سیاسی عمیق بین دو کشور همسایه وجود داشته باشد نه تنها هیچ‌گونه همکاری نخواهند داشت بلکه هر یک از طرفین با به کارگیری تمامی امکانات خود سعی در ناآرامی در مرز و ایجاد اختلال در امنیت داخلی کشور مقابل خواهند نمود. بدین ترتیب وضعیت را می‌توان در حالت جنگ که اصولاً روابط سیاسی دو کشور قطع می‌گردد، مشاهده کرد؛ در این حالت هر دو کشور با تمامی توان نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی خود، سرزمین‌های یکدیگر را زیر آتش گرفته و هیچ‌گونه امنیتی در منطقه وجود نخواهد داشت. در وضعیت دیگری که روابط سرد سیاسی بین دو کشور همسایه حاکم باشد، دولت‌های هر یک از طرفین در خاک خود سعی می‌کنند مخالفین و کسانی که قصد آسیب رسانی به امنیت ملی کشور مقابل را دارد مورد حمایت قرار داده و ضمن تجهیز، آن‌ها را از مرزهای فی‌مابین به داخل کشور همسایه نفوذ دهند (آلوی، ۱۳۹۰).

نقش رسانه‌ها در امنیت مرزها

توجه به آثار ارتباط و رسانه‌ها به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ به سبب اهمیت یافتن امر توسعه سیاسی کشورهای جهان افزایش یافت از آن پس چون از نظر کارشناسان غربی اساس توسعه اقتصادی رشد سریع تولید شناخته می‌شود و به عقیده آنان چنین رشدی ایجاب می‌کند که در رفتار انسانی تغییراتی اساسی پدید آید و ارتباط به‌عنوان یک عامل دگرگونی رفتارها به کار گرفته شود. در واقع رسانه‌ها به‌عنوان نظام مرکزی اعصاب جامعه امروزی عمل می‌کند. انقلاب اطلاعات و فناوری، رایانه‌ها و ارتباطات جامعه جهانی را به‌واسطه توسعه و پیشرفت در حوزه وسائل ارتباطی در دو بعد زمان و مکان متراکم کرده است. حاصل این توسعه و پیشرفت تشکیل دهکده جهانی است که در آن انسان‌ها هر چند بسیار به هم نزدیک شده و از ناامنی و بی‌خبری‌هایی یافته‌اند اما در مقابل به‌خاطر ظهور پدیده «جهانی شدن» به‌ویژه در حوزه فرهنگ با ناامنی جهانی مواجه‌اند. زیرا هویت فرهنگی و دینی جوامع از سوی تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود. جهانی شدن، ابعاد مختلفی دارد که همه آن‌ها در سایه فناوری اطلاعات و رسانه‌ها به منصفه ظهور رسیده است

(ازغندی، ۱۳۹۱). استان آذربایجان غربی با مساحتی بالغ بر ۳۷۵۵۴ کیلومتر مربع در شمال غرب کشور جمهوری اسلامی ایران واقع شده و در حدود ۲/۳ درصد کل مساحت کشور را در بر می‌گیرد. این استان تنها استان کشور است که با سه کشور مرز مشترک دارد که از شمال به جمهوری آذربایجان (نخجوان) و از مغرب به کشورهای ترکیه و عراق منتهی می‌گردد. در شهرهای مرزی این استان، کانال‌های تلویزیونی کشورهای همسایه بدون نیاز به گیرنده‌های ماهواره‌ای قابل دریافت است. کانال‌های تلویزیونی عراق که در این استان دریافت می‌شود عبارتند از (noroz, zagros, korstar, kordestan tv, show tv, MTV)، هم‌چنین کانال‌های احزاب مخالف نیز به پخش برنامه‌های تلویزیونی می‌پردازند (خلیلی، ۱۳۸۵).

کانال‌های تلویزیونی ترکیه متعدد می‌باشد و برخی از آن‌ها که در این استان دریافت می‌شوند عبارتند از: (star, gonaz, ATV, Dtv, show tv)، از کانال‌های تلویزیونی نخجوان می‌توان به (Aztv, ETV, ATV, STIS, Lider)، اشاره نمود. این شبکه‌ها ضمن بیان سیاست‌های دولت‌های خود به‌طور زیرکانه به نقد و بررسی حکومت جمهوری اسلامی ایران پرداخته و مشروعیت نظام را زیر سؤال می‌برند. ترویج فساد، بی‌بند و باری، ابتذال فرهنگی، قوم‌گرایی از جمله اهداف این شبکه‌ها می‌باشد. متأسفانه به‌علت قاچاق گیرنده‌های ماهواره‌ای از مرز عراق که استفاده از این گیرنده‌ها در سطح کشور رواج پیدا کرده اکثر برنامه‌های تلویزیونی سایر کشورها مخصوصاً نیروهای ضد انقلاب با حمایت استکبار جهانی به پخش برنامه‌های سیاسی و فرهنگی و ترویج ابتذال و فساد اخلاقی و کمرنگ نمودن رابطه مردم با دولت می‌پردازند (اسمیت، ۱۳۸۷). تلویزیون رسانه‌ای است که دسترسی به آن نیازمند سواد نیست و از بزرگسالان تا نوجوانان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و جامعه را به سوی یک جنگ سرد جدید می‌کشانند که باعث فروریختن ارزش‌ها و اخلاق جامعه و زوال شخصیت انسان توسط رسانه‌ها، روی یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی انسان یعنی امنیت ملی به‌طور عام، بر فرهنگ‌ها، امنیت مرزها به‌طور خاص تأثیر می‌گذارد. این ادعا که اخلاق اساس امنیت داخلی و اجتماعی در جامعه است ادعای گزافی نمی‌باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹). اخلاق عنصر مهم و تعیین کننده‌ای در روابط اجتماعی و سالم ساختن آن است در واقع هرچه قدر افراد در یک جامعه به اصول اخلاقی پای بندی بیشتری داشته‌باشند در آن جامعه ارتباطات اجتماعی از ناهنجاری‌های کمتری برخوردار خواهد بود. رسانه‌ها و امواجی که استان آذربایجان غربی را تحت پوشش قرار داده‌اند در ارائه

انحرافات اجتماعی، کارکردهای منفی و اثرات مخربی را برای امنیت مرزها و کاهش سرمایه اجتماعی دارند.

عضویت ترکیه در ناتو

امنیت ملی اساساً تعبیری مدرن است که با تکوین دولت‌های ملی معنا و مفهوم یافته‌است. مطالعات امنیت ملی نیز بحثی جدیدتر و مربوط به قرن بیستم است در حالی که امنیت مقوله‌ای کهن و دیرینه و از مسائل مهم بوده است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستی داشته و دارد و آدمی آنگاه که بر هیبت و هویت اجتماعی در نیامده بود نیز به امنیت به چشم آشنای همیشه همراه می‌نگریست (خلیلی، ۱۳۸۵). ناحیه آناتولی شرقی و جنوب شرقی منطقه مرز سیاسی مشترک ایران و ترکیه است که تماماً در محدوده جغرافیایی استان آذربایجان غربی واقع شده‌است، در واقع می‌توان گفت نواحی مذکور در حال حاضر به علت فعالیت حزب قدرت‌مند کارگران کردستان، پ. ک. ک. در حال حاضر مرکز مهم‌ترین چالش‌های نظامی و سیاسی حکومت ترکیه می‌باشد. بنابراین مسئله قومیت کرد برای ترکیه بسیار حیاتی است در واقع برای آنکارا هیچ‌یک از مسائل استراتژیکی بیرونی و درونی به اندازه واگرایی سنتی کردها مهم تلقی نمی‌شود. سالیانه حدود ۳۰ درصد بودجه کلان نظامی ترکیه صرف مهار کردها می‌شود (کریمی پور، ۱۳۷۹). مسئله کردهای ترکیه به دلیل ماهیت خاص خود از بعد منطقه‌ای آغاز شده و سپس در جامعه ترکیه نمود یافته و در نهایت اهمیت بین‌المللی پیدا کرده است. حکومت‌های ترک طی سال‌های متمادی با اطلاق اصطلاح «ترک‌های کوهستان» به کردها وجود مسئله‌ای به نام کرد را انکار و زبان کردی را غیر قانونی اعلام کرده‌اند، با تأسیس پادگان‌های متعدد در منطقه کردنشین و تبعید و حبس رهبران جنبش‌های استقلال‌طلبانه کردها با دعاوی تجزیه‌طلبانه آن‌ها مقابله می‌کند (تهامی، ۱۳۸۴).

پیشینه نظری پژوهش

جعفری زاده و حمزه (۱۴۰۲)، بررسی پیامدهای احداث دیوار مرزی ترکیه بر فعالیت‌های مرزنشینان جمهوری اسلامی ایران، مرز به عنوان یک پدیده فضایی-جغرافیایی یکی از عوامل ژئوپلیتیکی مهم در مدیریت سیاسی فضا در هر کشوری در راستای توسعه و امنیت پایدار و

همچنین تولید قدرت محسوب می‌شود و مدیریت بهینه و هوشمند نواحی مرزی ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی، اجتماعی و همچنین امنیت پایدار دارد. نتایج این تحقیق مؤید این واقعیت است که ساخت دیوار انسداد مرزی ترکیه بر فعالیت‌های مرزنشینان در شاخص‌های اقتصادی، محیط زیست، اجتماعی و سیاسی تأثیر منفی داشته و تأثیر مثبتی بر شاخص امنیتی مرتبط با فعالیت‌های آنان دارد.

دهقانی و پوراحمدی میبیدی (۱۴۰۲)، فضای سایبر و وجه رابطه‌ای قدرت ملی ایران، تحولات مربوط به انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه تأثیرگذاری عمیق بر فرماسیون اقتصادی-اجتماعی جوامع و باز صورت‌بندی نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل را فراهم نموده‌است. پژوهش جهت نیل به اهداف خود از روش کمی-کیفی بهره گرفته است. مدل بازیگری جمهوری اسلامی ایران مبنی بر شدت بازیگری امنیتی در فضای سایبر، موجبات واکنش اجتماعی منفی کاربران و کاهش قدرت رابطه‌ای کشور را در سطوح ملی و بین‌المللی فراهم آورده‌است.

پور اسمعیلی و اسمعیلی اردکانی (۱۴۰۲)، ادراک رهبران ترکیه و عربستان از مقوله محور مقاومت، برداشت‌های درست و نادرست بر مناسبات دولت‌ها و در نتیجه، بر مناسبات منطقه‌ای تأثیرگذار است. وضعیت امروز منطقه خاورمیانه، مصداق روشنی برای بحث درباره برداشت‌های درست و نادرست بازیگران مؤثر است. بر پایه فرضیه پژوهش، مبانی و زمینه‌های شکل‌گیری ذهنیت و دیدگاه این رهبران درباره محور مقاومت را در زنجیره‌ای از سه گزاره تفاوت در منافع و اهداف، تفاوت در ماهیت سیاست خارجی، و سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده براساس این ماهیت، می‌توان توضیح داد.

دین پرست و همکاران (۱۴۰۲). تحلیل نهادگرایانه مسیر توسعه ترکیه (۱۹۲۳-۲۰۱۵)، مقاله حاضر با هدف نشان دادن چگونگی فرآیند و در مسیر قرار گرفتن توسعه اقتصادی و سیاسی در ترکیه نوشته شده‌است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حرکت نهادهای سیاسی-اقتصادی ترکیه به سوی فراگیری بیشتر، فرایند توسعه را در ترکیه تقویت کرده است؛ به‌نحوی که با تثبیت نهاد مالکیت، افزایش نقش بخش خصوصی، استقلال نظام قضائی، کاهش قدرت نظامیان، گشودگی بیشتر سیاسی و گسترش جامعه مدنی کشور ترکیه به سمت فراگیری نهادی حرکت کرده است که پیامد آن گسترش انگیزه‌های فعالیت و مشارکت اقتصادی شهروندان و

مآلاً رونق اقتصادی افزون تر است.

درج (۱۴۰۲)، مناقشه قره باغ و استراتژی ایران و ترکیه، جمهوری آذربایجان پس از کسب استقلال با بحران ناشی از اشغال اراضی از جانب ارمنستان مواجه شد. مناقشه قره باغ بعدها به دلیل دخالت برخی قدرت‌های خارجی به یک بحران منطقه‌ای تبدیل شد. در این میان، تصور می‌شود که حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان تلاشی برای گسترش حوزه نفوذ خود هم از طریق حمایت از مواضع باکو در مناقشه قره باغ و هم از طریق به حاشیه راندن نفوذ ایران و روسیه در منطقه است. ایران نیز نگران از سرریز شدن ناامنی‌ها به درون مرزهای شمال غربی خود، خواهان توقف این درگیری است و ضمن مخالفت با مداخله خارجی در این بحران، بر حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماسی تأکید دارد.

حسینی و شیرزاد (۱۴۰۱)، بررسی راهبرد انرژی ترکیه در مناطق خزر و خاورمیانه، سؤال اصلی این است که استراتژی انرژی ترکیه در خصوص کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق بر اساس چه مولفه‌هایی شکل گرفته و چگونه ارزیابی می‌گردد؟ یافته‌های این پژوهش که بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است، بیانگر گسترش روابط ترکیه با کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق بر مبنای حجم مبادلات نفتی و گازی، تنوع خطوط انرژی با محوریت ترکیه می‌باشد که این امر، نشان دهنده موفقیت استراتژی انرژی ترکیه است.

عرف و قرشی (۱۴۰۱)، دیپلماسی عمومی ترکیه در مناطق پیرامونی: از فضای سایبر تا برندسازی، فرضیه بدین صورت طراحی شده‌است که ترکیه به‌طور ویژه از ۲۰۱۰ به بعد با اولویت‌بندی زمانی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت از ابزارهای دیپلماسی عمومی متعددی استفاده کرده است. این کشور از ظرفیت‌های رسانه‌ای و سایبری در کوتاه‌مدت؛ از روابط مردمی، شرکت‌ها، سمن‌ها و دیاسپورا در میان‌مدت؛ و از دیپلماسی فرهنگی و برندسازی در بلندمدت بهره برده‌است.

جعفری زاده و حمزه (۱۴۰۲)، بررسی پیامدهای احداث دیوار مرزی ترکیه بر فعالیت‌های مرزنشینان جمهوری اسلامی ایران، نتایج این تحقیق مؤید این واقعیت است که ساخت دیوار انسداد مرزی ترکیه بر فعالیت‌های مرزنشینان در شاخص‌های اقتصادی، محیط‌زیست، اجتماعی و سیاسی تأثیر منفی داشته و تأثیر مثبتی بر شاخص امنیتی مرتبط با فعالیت‌های آنان دارد.

لطفی (۱۴۰۰)، چالش‌های امنیت ملی در مرزهای ایران و ترکیه. مطالعه موردی: اقتصاد مرزی مرز بازرگان، هدف اصلی این پژوهش عبارت از تبیین و تحلیل رابطه اقتصاد مرزی با چالش‌های

امنیت ملی در مرزهای ایران به‌ویژه در مرزهای ایران و ترکیه است. در واقع در کنار فرصت‌های اقتصادی ایجاد شده، باید به تهدیدات و تنش‌هایی چون منازعات هیدروپلیتیک، مسئله گُردها، ملاحظات ناشی از پیوند استراتژیک ترکیه و ایالات متحده، مسائل ایدئولوژیکی طرفین و تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی ترکیه توجه شود.

روشنی و مصدق (۱۴۰۰). الزامات نحوه اداره مرزهای سیاسی میان ایران و ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ا. ایران، این پژوهش با هدف شناسایی و تعیین الزامات نحوه اداره و مدیریت مرزهای سیاسی میان ایران و ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی تدوین گردیده‌است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش شناسایی و تعیین الزامات نحوه اداره مرز میان ایران و ترکیه شامل عوامل سیاسی؛ اقتصادی؛ اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی و همچنین امنیتی-نظامی می‌باشد. آزمون فرضیه پژوهش دال بر این واقعیت است که الزامات نحوه اداره مرزهای سیاسی میان ایران و ترکیه بر امنیت ملی کشور به میزان تأثیر زیادی دارد.

نجفی و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی تأثیرات دیپلماسی اقتصادی در امنیت مرزی ایران و ترکیه، نبود حکومت و اقتدار مرکزی بدان معناست که در سیاست بین‌المللی نظم سلسله مراتبی و ناظمی وجود ندارد که روابط بین کشورها را تنظیم کند، که نظریه‌ها و تحلیل گران سیاست بین‌المللی را سرشار از منازعه و جنگ بدانند که در آن جایی برای همکاری، همگرایی و کارکرد رژیم‌های بین‌المللی نیست، به‌ویژه آن‌ها همکاری بین واحدهای ملی و کشورها را ناممکن یا دست کم بسیار سخت و دشوار نموده‌است اما همگرایی منطقه‌ای، متضمن وجود و ایجاد ساختارها، نهادها و ترتیبات منطقه‌ای بین حکومتی یا فوق ملی است. که هماهنگی رفتار و سیاست‌های کشورهای عضو در حوزه‌های موضوعی مختلف می‌پردازند و همگرایی منطقه‌ای را می‌توان در مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی بررسی نمود.

کولایی و کاویانی فر (۱۳۹۸)، ایران و ترکیه در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی. برای پاسخ به این سؤال محیط امنیتی آسیای مرکزی و نگرانی‌های کشورهای با استفاده از الگوی تحلیلی مجموعه امنیتی بررسی شده و سپس با واکاوی علایق نظامی-امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و ترکیه، نتایج پژوهش در قالب فرصت‌های نقش‌آفرینی دو کشور در این محیط امنیتی استخراج و ارائه خواهد شد. پیشنهادهایی نیز با هدف بهره‌گیری ایران از فرصت‌ها در این منطقه ارائه شده‌است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحولات جهان عرب با تشدید رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه، موجب شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محوریت ایران و ترکیه شده‌است که در یک سوی آن روسیه، ایران، عراق و سوریه و در سوی دیگر ترکیه، عربستان سعودی، قطر و گروه‌های سلفی قرار دارند. همچنین ناتوانی ترکیه در این مسیر موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و تعدیل سیاست منطقه‌ای ترکیه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

رابطه تهران و آنکارا پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد. دو ملت، اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی و دینی دارند. دو کشور در قالب امپراطوری‌های بزرگ جهان نقش مهمی در تداوم تجارت، برقراری نظم جهانی و نیز صیانت از تمدن اسلامی در برابر تهاجم استعمارگران داشته‌اند. به سفرنامه‌ها که بنگریم رد و اثر ادب و دستاوردهای ایرانی و عثمانی را در نوشتارهای دو سوی مرز به وضوح مشاهده می‌کنیم. آثار و اندیشه‌های مولوی، شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم هجری، به‌عنوان نقطه اتصال ملت‌های ما، تنها یکی از موارد بی‌شمار است. گسترش روابط با همسایگان در قالب سیاست خارجی متوازن، دیپلماسی پویا و تعامل هوشمند از اولویت‌های مهم سیاست جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این میان، جمهوری ترکیه به‌دلیل موقعیت خاص همسایگی از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه دو بازیگر مهم منطقه‌ای بوده که با توجه به موقعیت ژئوپلتیک و به‌عنوان پل و نقطه وصل قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا، دسترسی به آب‌های آزاد، قرار گرفتن در زنجیره ترانزیت غرب-شرق و شمال-جنوب مزیت برجسته‌ای داشته و این مهم باعث تسهیل همکاری‌ها و هم‌افزایی میان آنها است.

کشور ایران، مناسبات بین دو کشور همسایه را در بخش دوجانبه ممتاز و دوستانه می‌داند، افزون بر این، باور داریم که توسعه و تعمیق هر چه بیشتر روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ترکیه دستاوردها و پیامدهای مثبتی، نه‌تنها در سطح روابط دوجانبه داشته بلکه در بعد منطقه‌ای و جهانی نیز به برقراری صلح و ثبات پایدار و تقویت همکاری‌های دوستانه کمک خواهد کرد. هدفی که حصول به آن با توجه به ظرفیت‌های بالقوه بسیار بالا در دو کشور، امکان‌پذیر است و

گسترش مبادلات ایران و ترکیه در حوزه‌های تجاری و اقتصادی برنامه ریزی شده، ضروری است. حجم تجارت کنونی فاصله قابل توجهی با ظرفیت‌ها و امکانات دو کشور دارد. از طرفی دیگر، یکی از مسائل مرزی ایران و ترکیه جایگاه بازارچه‌های مرزی و کارکرد آن‌ها در مناطق مرزی است که دارای نقش پر اهمیتی بوده و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شوند که در نوع خود در توسعه همکاری‌های متقابل اقتصاد، گسترش بازارچه‌های محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت در مناطق مرزنشین نقش به‌سزایی داشته است. در واقع مرزها زمانی به ثبات و امنیت دست خواهند یافت که در آنجا سرمایه‌گذاری به‌صورت جدی و اصولی انجام شود تا مرزنشین بتواند از این سرمایه‌گذاری به نفع خود و منطقه بهره‌برد. در نهایت اینکه هرچند که نقش بازارچه‌ها در راستای جامه عمل پوشاندن به آنچه فلسفه وجودی آن بوده است، غیرقابل‌انکار است، اما نتایج مطالعات میدانی در بسیاری از زمینه‌ها نشان داده که بازارچه‌های مرزی در راستای اهداف تعریف‌شده خود مبتنی بر توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در این مناطق آن‌چنان که باید موفق نبوده‌اند. بر همین مبنا با استفاده از نظرات تخصصی و کارشناسی می‌توان بر مشکلات بازارچه‌های مرزی و گمرک غلبه نمود؛ با حذف تشریفات گمرکی در راستای ایجاد اشتغال و افزایش تعامل میان مرزنشینان و مردم سایر نقاط کشور، کمک به کشاورزی منطقه، گسترش و ترمیم راه‌های ارتباطی و غیره به نتایج مثبتی در راستای امنیت دست یافت.

برای هر دو طرف ایران و ترکیه ضروری است که با شناسایی موانع موجود، تأمین زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ضروری و اجرای تصمیمات و توافقات به این هدف گذاری مهم دست پیدا کند. همکاری‌های بین استان‌های مرزی دو کشور، همکاری در زمینه‌های تجاری، صنعتی، کشاورزی، بهداشتی، علمی، فرهنگی، گمرکی، فناوری‌های نوین، بازارچه‌های مرزی، مناطق آزاد تجاری، حمل و نقل منطقه‌ای و همکاری‌های امنیتی از مهم‌ترین محورهای گسترش روابط دو جانبه محسوب می‌شود. از چند بعد می‌توان امنیت مرزهای ایران و ترکیه را افزایش داد؛ همکاری ایران و ترکیه در حوزه انرژی، مزیت مهمی در مناسبات اقتصادی دو کشور است، جمهوری اسلامی ایران هم اکنون یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان گاز طبیعی ترکیه است و خط لوله گاز بین دو کشور از سال ۲۰۰۱ یکی از نمادهای مهم همکاری‌های اقتصادی پایدار بین دو کشور است. تداوم، تقویت و تنوع بخشی این همکاری‌ها مورد تأکید و

اهتمام دو طرف است؛ با توجه به تغییرات آب و هوایی و شرایط اقلیمی و خشک‌سالی در منطقه، تعامل و همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه در حوزه محیط‌زیست و به‌ویژه منابع مشترک آبی امری ضروری به‌شمار می‌آید. از طرفی دیگر، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه با چالش‌ها و مسائل مشترکی نیز در منطقه روبه‌رو هستند که ضرورت تقویت همکاری بیشتر بین این دو قدرت منطقه‌ای را ملموس‌تر می‌کند، موضوعات امنیت مرزی، مبارزه با تروریسم در همه اشکال آن، قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته، موضوع مهاجران ناشی از جنگ‌هایی که بر اثر مداخله عوامل فرمانطقه‌ای رخ داده است، تحرکات تجزیه‌طلبانه دیکته شده از سوی قدرت‌های استکباری، تبعات جنگ‌ها و ناآرامی‌های تحمیلی بر کشورهای منطقه بخشی از این چالش‌ها محسوب می‌شوند.

یکی از زمینه‌های برجسته همکاری ایران و ترکیه، به‌ویژه پس از تهاجم رژیم اشغالگر صهیونیستی به غزه، حمایت از مردم مظلوم فلسطین، تقویت همگرایی در بین کشورهای اسلامی برای مقابله با آپارتاید اسرائیلی و پیگیری توقف جنایات این رژیم علیه بشریت و نسل‌کشی کودکان و زنان بی‌گناه است. دو کشور مهم جهان اسلام در حمایت از مردم مظلوم غزه و آرمان مقدس فلسطین مسئولیت سنگینی دارند که بدون تردید با همفکری و همکاری مشترک بهتر می‌توانند به این رسالت تاریخی و انسانی جامه عمل بپوشند.

امروزه دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه در منطقه غرب آسیا و قفقاز و خلیج فارس می‌توانند الگوی ثبات و امنیت درون‌زا را معرفی، مستقر و نهادینه کنند و با تمرکز بر سیاست‌های هم‌گرایانه، فضا را برای حضور و ایفای نقش عوامل برهم‌زننده نظم منطقه‌ای تنگ‌تر کنند. همکاری‌هایی مانند روند آستانه برای ایجاد صلح در سوریه؛ پلتفرم ۳+۳ برای برقراری صلح و گسترش همکاری در قفقاز و همکاری‌های سه و چندجانبه در حوزه خلیج فارس تنها نمونه‌هایی از این بسترهای همکاری و هم‌افزایی دو کشور در منطقه هستند. جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکیه را به‌عنوان یک کشور دوست و شریک بزرگ و در چارچوب سیاست همسایگی در حلقه نخست سیاست خارجی خود برای همکاری قلمداد کرده و اعتقاد دارد که دو کشور می‌توانند در موضوعات و ابعاد مختلف همکاری‌هایشان را گسترش و تداوم بخشند. برای حل بحران‌های منطقه‌ای نیز همکاری‌های خوبی بین دو کشور برقرار شده و در این زمینه آمادگی لازم برای توسعه بیشتر این همکاری‌ها وجود دارد.

- افضل‌ی، رسول، و حسینی، مجید. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تأثیر آن بر ایران. ژئوپلیتیک، ۱۴(پیاپی ۱۱)، ۱۵۱-۱۷۶. <https://sid.ir/paper/fa116147SID>.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۱). "تغییر اجتماعی و توسعه (نگاهی به نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)"، ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. #
- اسمیت، استیو. (۱۳۸۷). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل رد عصر نوین. تهران: معاونت پژوهشی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر #
- برزگر معصومه، میرساردو طاهره. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت مرزهای ایران (مطالعه موردی مرزهای شرقی، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۳۱)، ۲۴۷-۲۲۱.
- تهامی مجتبی. (۱۳۸۴). امنیت ملی، دکترین، سیاستهای دفاعی و امنیتی. تهران: نشر ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری زاده، امید و حمزه، فرهاد (۱۴۰۲)، بررسی پیامدهای احداث دیوار مرزی ترکیه بر فعالیت‌های مرزنیسانان جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، انتشار آنلاین از تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۲.
- جاویدی مجتبی. (۱۳۹۱). نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی. تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا. #
- خلیلی رضا. (۱۳۸۵). تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم امنیت. تهران: مجموعه مقالات همایش ملی مطالعات استراتژیک، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی، علی اصغر و پورا احمدی میدی، حسین. (۱۴۰۲). فضای سایبر و وجه رابطه‌ای قدرت ملی ایران. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۲(۱)، ۱۲۱-۱۲۷. doi: 10.22067/irlip.2023.74560.1217.
- دین پرست، فائز، قادری، هاشم و عمو زین الدین موسوی، محمد علی. (۱۴۰۲). تحلیل نهادگرایانه مسیر توسعه ترکیه (۱۹۲۳-۲۰۱۵)، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. doi: 10.22067/irlip.2023.74389.1216, 12(1),
- روشنی، رضا، و مصدق، مسعود. (۱۴۰۰). الزامات نحوه اداره مرزهای سیاسی میان ایران و ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ا. ایران. جغرافیای سرزمین، ۱۸(۷۱)، ۱۱۱-۱۳۰. SID. <https://sid.ir/paper/fa951852>
- رحمتی راد، محمد حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه. تهران: معاونت آموزشی ناجا #
- زیبا کلام صادق، گودرزی مهناز. (۱۳۹۲). سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (امکان سنجی روابط راهبردی دو کشور بر مبنای مدلی تطبیقی). فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل ۶(۲۱)، ۱۶۵-۲۰۵.

- شریف نژاد، ج. (۱۳۸۶). تأثیر توسعه اقتصادی بر امنیت مرزها. ارومیه، انتشارات ادیبان. #
- عرف محمد، قرشی سید یوسف. (۱۴۰۱). دیپلماسی عمومی ترکیه در مناطق پیرامونی: از فضای سایبر تا برندسازی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۹)، ۶۰-۲۹.
- فیروزآبادی دهقانی سیدجلال (۱۳۹۵). کلیات روابط بین الملل. تهران: نشر مخاطب. #
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: انتشارات سمت،
- کولایی الهه، کاویانی فر پیمان. (۱۳۹۸). ایران و ترکیه در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل)، ۱۲(۴۵)، ۱۶۹-۱۴۱. doi: .
- DOR:20.1001.1.24234974.1398.12.45.6.7.
- کریمی پور یدا.... (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). تهران: نشر دانشگاه تربیت معلم. #
- لطفی، حیدر. (۱۴۰۰). چالش‌های امنیت ملی در مرزهای ایران و ترکیه. مطالعه موردی: اقتصاد مرزی مرز بازرگان. مجله آمایش جغرافیایی فضا. doi: 11(39), 91-110. doi: 10.30488/gps.2020.185692.3047
- موسوی سید حافظ، برزگر کیهان، قوام سید عبدالعلی و ذاکریان مهدی (۱۳۹۵)، تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه، ژئوپلیتیک ۱۲(۱)، (پیاپی ۴۱).
- نجفی مهدی، نائیان جلیل، احدی پرویز، یوسفی جویباری محمد (۱۳۹۹). بررسی تأثیرات دیپلماسی اقتصادی در امنیت مرزی ایران و ترکیه. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۹(۳۳):۲۶۵-۲۸۸.
- نجفی مهدی، مهدی زاده اکبر. (۱۳۹۶). بررسی مسائل اجتماعی-امنیتی و مرزی ایران و ترکیه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰(۳۶)، ۸۱-۶۵.
- نجفی، مهدی، و مهدی زاده، اکبر. (۱۳۹۶). بررسی مسائل اجتماعی-امنیتی و مرزی ایران و ترکیه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۹(۳۶)، ۶۵-۸۱. <https://sid.ir/paper/fa222589SID>
- ی. سوء، آلونین. (۱۳۹۰). "تغییر اجتماعی و توسعه (مروری بر نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)"، ترجمه محمود حبیبی مظاهر. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی###

- Bagbaslioglu, Arif. (2014). "Beyond Afghanistan NATO's Partnership with Central Asia and South Caucasus: A tangled partnership?" Journal of Eurasian Studies. Vol. 5 (1), pp. 88-96.
- Carnegie Endowment. (2016). "U.S. Policy Toward Central Asia", Available at: <https://goo.gl/oq1RVN> Accessed on 16/7/2017(.).
- Hoffman, stanly.(1981 summer).security in the age of turbulence , means of response in third world conflict and international security, Adelpani papers, no157###.
- In RehmanIqbalur.(1992). National secreity and the problem of unconventional warfare.Delhi: Kanishka publishing housd###.

- Karimov. Reshad, Eugene Chausovsky, Kamal Makili-Aliyev (2011) *The Caspian Basin: Geopolitical and the Future Balance of Power*, (Baku: SAM Center for Strategic Studies).
- Lain, Sarah. (2016). "Strategies for Countering Terrorism and Extremism in Central Asia". *Asian Affairs*. Vol. 47 (3), pp.386-405.
- Nourzhanov, Kirill. (2009). "Changing Security Threat Perceptions in Central Asia". *Australian Journal of International Affairs*. Vol. 63(1), pp. 85-104.
- R.cooper.(1977). *Olveygoldman Kelly 1984*,ch.14##.
- Saferworld. (2013). "Turkey's Role and interests in Central Asia". Available at: <https://goo.gl/YtxQsE> (Accessed on: 16/7/2017)